

خدا چگونه انسان را هدایت می‌کند؟-۳

پناهیان: در این دنیا، همه روابط خدا با بندگان در «هدایت» خلاصه می‌شود/ در سازوکار هدایت، تنبیه و تشویق فوری غالباً وجود ندارد و خداوند روی عقل ما حساب می‌کند/ هدایت یعنی خداوند جهنم و بهشت را نشان نمی‌دهد/ شاهراه هدایت، دیدن «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است

پناهیان: هدایت یعنی اینکه خداوند غالباً فوری تنبیه یا تشویق نمی‌کند. هدایت یعنی خدا همه چیز را نشان نمی‌دهد، یعنی روی عقل ما حساب می‌کند. یعنی انسان را هل نمی‌دهد یا انسان را هول نمی‌کند. در هدایت، تبلیغات سحرکننده وجود ندارد که انسان‌ها را مست کند و به یک کاری وادار کند؛ مثل تبلیغاتی که دین شأن انسان است. در هدایت، فقط سخنان شیرین و جذاب بیان نمی‌شود که انسان‌ها جذب شوند، بلکه خداوند در قرآن سخنان پُر از دافعه هم دارد تا اگر انسان راه درست را انتخاب کرد، انتخاب او ارزش پیدا کند. هدایت یعنی خداوند جهنم و بهشت را نشان نمی‌دهد. ببینید خداوند چقدر با رعایت کرامت انسان، او را هدایت می‌کند.

حجت الاسلام پناهیان به مناسبت ماه مبارک رمضان ۳۰ شب در مصلی بزرگ امام خمینی با موضوع «خدا چگونه انسان را هدایت می‌کند؟» سخنرانی می‌کند. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **جلسه سوم** را می‌خوانید:

در این دنیا، همه روابط پروردگار با بندگان در «هدایت» خلاصه می‌شود

- خداوند متعال بعد از اینکه ما را خلق می‌کند، دیگر کاری ندارد جز اینکه ما را هدایت کند. (أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى؛ طه/۵۰) خداوند اگر بخواهد کار دیگری برای ما انجام دهد - مثل دادن اجر و پاداش به بندگان - معمولاً این کارها در عالم آخرت انجام می‌گیرد. در این دنیا، همه روابط پروردگار با بندگان را می‌توان در موضوع هدایت خلاصه کرد. به تعبیری می‌توان گفت: ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند که تو را هدایت کنند. یعنی همه در خدمت هدایت انسان هستند. تمام مقدرات بشر در خدمت هدایت است.
- برخی از مفاهیم، فوق‌العاده زیبا و دلنشین هستند؛ به ویژه مفاهیمی که خداوند متعال در قرآن کریم، در حساس‌ترین لحظه‌ها استفاده می‌کند. یکی از آن مفاهیم، مفهوم هدایت است. تا وقتی که این سلسله مفاهیم دینی، برای ما دلنشین نشود و معنای آنها را درست متوجه نشویم، نمی‌توانیم با قرآن کریم، ارتباط برقرار کنیم. اگر یک ماه رمضان بتوانیم، فقط یکی از این مفاهیم را برای خودمان جا بیندازیم و بار روانی قشنگ آن را دریافت کنیم، که در مناجات‌هایمان، سر آن کلمه، با خدا حرف بزنیم، واقعاً ارزش دارد.

یکی دیگر از تفاوت‌های «تربیت» و «هدایت» مثل تفاوت «بنشینید» و «بفرمایید» است/ هدایت یک کلمه بسیار محترمانه و مهربانانه است

- همان‌طور که بیان شد، در کلمه هدایت، یک لطف و مهربانی خاص وجود دارد. و در ادامه بحث هم خواهیم دید که در هدایت، یک نوع احترام به انسان‌ها وجود دارد. مثلاً کلمات «بنشینید» و «بفرمایید» معنای مشابهی دارند ولی معلوم است که در کلمه «بفرمایید» یک احترام خاصی نسبت به مخاطب، وجود دارد. همان تفاوتی که بین این دو کلمه وجود دارد، بین «تربیت» و «هدایت» هم وجود دارد. یعنی هدایت فوق‌العاده محترمانه‌تر از تربیت است. هدایت یعنی خداوند با همه عظمت و لطف و مهربانی‌اش، دارد به ما تعارف می‌زند و می‌گوید: «بفرمایید».
- هدایت یعنی اینکه خداوند می‌خواهد یک مطلب را با رعایت و با ظرافت فوق‌العاده زیاد به بندگان بفرماید و بفهماند. به حدی که اگر بندگان متوجه نشوند و در راه این متوجه نشدن، امام حسین (ع) را قطعه قطعه کردند، خداوند می‌فرماید: حسین

من! تو صبر کن و بگذار این ساز و کار هدایت من سر جای خودش بماند. یعنی بگذار من جهنم را نشان ندهم، و الا اگر جهنم را به بندگانم نشان بدهم، کسی تو را نخواهد کُشت. من می‌خواهم با اشاره، با مردم سخن بگویم.

در ساز و کار هدایت، تنبیه و تشویق فوری غالباً وجود ندارد و خداوند روی عقل ما حساب می‌کند/ هدایت یعنی خداوند جهنم و بهشت را نشان نمی‌دهد/ ساز و کار هدایت علت مظلومیت همه اولیاء خدا

- هدایت یعنی اینکه خداوند غالباً فوری تنبیه یا تشویق نمی‌کند. هدایت یعنی خدا همه چیز را نشان نمی‌دهد، یعنی روی عقل ما حساب می‌کند. یعنی انسان را هل نمی‌دهد یا انسان را هول نمی‌کند (نمی‌ترساند). در هدایت، تبلیغات سحرکننده وجود ندارد که انسان‌ها را مست کند و به یک کاری وادار کند؛ مثل تبلیغاتی که دونِ شأن انسان است. در هدایت، فقط سخنان شیرین و جذاب بیان نمی‌شود که انسان‌ها جذب شوند، بلکه خداوند در قرآن سخنان پُر از دافعه هم دارد تا اگر انسان راه درست را انتخاب کرد، انتخاب او ارزش پیدا کند. هدایت یعنی خداوند جهنم و بهشت را نشان نمی‌دهد. ببینید خداوند چقدر با رعایت کرامت انسان، او را هدایت می‌کند.
- شما عظمت و لطف خدا را می‌توانید در ساز و کار هدایت الهی ببینید. درک همین ساز و کار زیبای هدایت است که انسان را به تواضع در مقابل پروردگار و رکوع و سجود وادار می‌کند. این ساز و کار هدایت است که علت مظلومیت همه اولیاء خداوند است. همه این‌ها از لوازم و عوارض ذاتی هدایت است.
- هدایت سرشار از احترام و عاطفه، سرشار از اشاره و سرشار از بلندهمتی است، یعنی آن نقاط بسیار بلند و قله‌ها را به انسان نشان می‌دهد.

حضرت ابراهیم(ع) چگونه خدای خود را تبلیغ کرد؟

- برای اینکه کلمه هدایت یک مقدار برای شما دلنشین تر شود، ببینید در این آیات سوره شعراء، حضرت ابراهیم(ع) از کلمه هدایت، کجا و چگونه استفاده کرده است. در این آیات، حضرت ابراهیم(ع) بتهایی که قومش می‌پرستیدند را نفی می‌کند و خدای خودش را برای آنها تعریف می‌کند. انصافاً این آیات در کل قرآن کریم در این سیاق، استثنایی است و یک زیبایی منحصر به فرد و خاصی دارد.
- می‌فرماید: «ابراهیم به آن کسی که در مقام پدرش بود و به قوم خودش گفت: شما چه می‌پرستید؟ آیا این بت‌هایی که می‌پرستید، صدای شما را می‌شنوند؟ آیا می‌توانند به درد شما برسند؟ آیا قدرتی دارند؟ آنها گفتند: نه، بالاخره پدران ما این گونه بودند و ما هم به دنبال راه آنها می‌رویم؛ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ... قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَالِكَ يَفْعَلُونَ» (شعراء/ ۷۰ تا ۷۴)
- حضرت ابراهیم(ع) به آنها فرمود: «اینها دشمن من هستند و دوست من فقط پروردگار عالم است؛ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِيَ إِيَّاهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء/ ۷۷) و بعد خداوند را به آنها معرفی می‌فرماید و کلمه هدایت را در معرفی پروردگار می‌آورد: «آن کسی که مرا خلق کرده است، پس هم او مرا هدایت می‌کند؛ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ» (شعراء/ ۷۸) می‌بینید که بعد از خلقت، از هدایت الهی سخن به میان آمده است و در آیات بعدی نیز توصیفاتی از الطاف خداوند آمده است که همگی در مراتب بعد از هدایت قرار داند. می‌فرماید: «آن کسی که به من غذا می‌دهد و آب می‌نوشاند؛ وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِي؛ و وقتی مریض می‌شوم مرا شفا می‌دهد؛ وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي» (شعراء/ ۷۹ و ۸۰)

- ببینید! حضرت ابراهیم(ع) چگونه خدای خودش را تبلیغ می‌کند! در واقع در این آیات، حضرت ابراهیم(ع) از محبت خدا نسبت به خودش سخن می‌گوید و به این صورت دارد خدا را تبلیغ می‌کند؛ این طوری باید خدا را تبلیغ کرد.

خداوند می‌فرماید: هدایت به عهده ماست/ هدایت بندهام را بر خودم واجب می‌دانم

- در سوره لیل، یک آیه کوتاه و بسیار دلنشین وجود دارد که در میان آیات قرآن، نظیر عبارتی که در این آیه کریمه هست، پیدا نمی‌کنید. خداوند در این آیه می‌فرماید: «بر عهده ماست که هدایت کنیم؛ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ» (لیل/۱۲) یعنی بر ما واجب است که شما را هدایت کنیم، یعنی ما هدایت کردن را بر عهده خودمان می‌دانیم. بنده زیرک خدا می‌تواند از این آیه بهترین استفاده را به عمل بیاورد و بگوید: «خدایا! تو گفته‌ای که من هدایت بندهام را بر خودم واجب می‌دانم، پس مرا هدایت کن!» همان خدایی که به این سادگی‌ها زیر بار کاری نمی‌رود و کاری را به سادگی به عهده نمی‌گیرد، دارد هدایت را بر عهده خود می‌گیرد. خداوند حتی درباره شهدایی که جان خود را در راه او داده‌اند، می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ... وَ يُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ» (محمد/۴-۶) و جلوتر از این نمی‌رود و چیز دیگری را در قبال شهدا بر عهده نمی‌گیرد ولی وقتی به هدایت می‌رسد، می‌فرماید: بر عهده ماست که هدایت کنیم.

از من هدایت بخواهید تا هدایتان کنم

- در روایات خیلی به ما توصیه شده است که هدایت را از خداوند تمنا کنیم. جبرئیل امین، از خداوند متعال نقل می‌فرماید: «ای بندگام، همه شما گمراه هستید، مگر کسی که من او را هدایت کنم، پس از من هدایت را تقاضا کنید، تا من شما را هدایت کنم؛ يَا عِبَادِيَ كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ، فَاسْأَلُونِي الْهُدَىٰ أَهْدِيكُمْ» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)/ص ۴۲)
- در روایات و ادعیه تأکید شده است که از خدا هدایت بخواهید و بعد هم از خدا تقاضا کنید که این هدایتش را ادامه دهد. بگویید: «خدایا مرا هدایت کن و دیگر دست از هدایت من بر ندار و مرا در مسیر هدایت خودت نگه‌دار؛ اللَّهُمَّ أَغْنِنِي الْهُدَىٰ وَ تَبَتَّنِي عَلَيْهِ» (کمال‌الدین/۱/۲۶۷) این دعایی است که پیامبر اکرم(ص) به یکی از اصحاب‌شان یاد داده‌اند.
- پیامبر گرامی اسلام(ع) می‌فرماید: «هم هدایت را از خدا مسألت کنید و هم هدایت در مسیر را از خدا مسألت کنید؛ سَلُوا اللَّهَ الْهُدَىٰ وَ سَلُوا اللَّهَ مَعَ الْهُدَىٰ هِدَايَةَ الطَّرِيقِ» (جعفریات/۲۲۲)

یک لحظه تمنا می‌تواند کل زندگی را تحت تأثیر قرار دهد/ چه شد که علامه مجلسی(ره) آن همه توفیق پیدا کرد؟

- عزیزترین بخش وجود انسان که خداوند متعال آفریده است، به تعبیری، همان قلب انسان(مرکز تمایلات انسان) است و خداوند متعال به تمایلات خوب انسان‌ها، عنایت خاصی دارد. تمایلات خوبتان را واقعاً تحویل بگیرید و قدرش را بدانید.
- اگر یک لحظه دلت یک چیز خوب را خواست و به آن تمایل پیدا کرد و بعد دیدی که کل زندگی‌ات تحت تأثیر آن یک لحظه قرار گرفته، اصلاً تعجب نکن. یکی از فلسفه‌ها یا آثار مهم محافل معنوی که پیامبر(ص) درباره‌اش فرمود: «بروید در باغ‌های بهشت به بهره‌برداری بپردازید؛ ارْتَعُوا فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ قَالَ مَجَالِسُ الذِّكْرِ» (عده‌الداعی/۲۵۳) این است که انسان در این جلسات در فضایی قرار می‌گیرد، که ممکن است در یک لحظه، یک دفعه‌ای دلش عمیقاً برای یک آرزوی خوب، پَر بکشد. یا در یک لحظه از یک وضعیت بد در دوزخ یا عاقبت به خیر نشدن، دلش بترسد، و خداوند هزاران ساعت گناه ما را با همین یک لحظه خوب، ندیده بگیرد و دعا یا آرزو و تمنای قلبی او را مستجاب کند.
- از یک عارفی پرسیدند که چه شد علامه مجلسی(ره) آن همه توفیق پیدا کرد؟ او گفت: این به خاطر دعای پدر علامه مجلسی است که یک شب در قنوت نماز شب داشت دعا می‌کرد، و همان موقع علامه مجلسی در گهواره بود و صدایش بلند شد، پدر

علامه هم به یاد بچه‌اش افتاد و دعا کرد: «خدایا! این فرزند مرا بپذیر که خرج خدمت در راه تو شود» و این دعا مورد قبول درگاه خدا قرار گرفت؛ به خاطر همین یک لحظه زیبای پدرش!

عرفای بزرگ با «خدایا! مرا هدایت کن» به مقامهای بالا رسیده‌اند

- یک‌بار مقام معظم رهبری به یک کسی می‌گفتند: «مگر می‌شود ما این همه دعا کنیم و بگوییم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» و خدا نگاه نکند؟! اگر خداوند به این دعای ما توجهی نکند، به این دلیل است که ما بدون توجه دعا می‌کنیم و دعای بی‌توجه هم اثر ندارد.» اگر ما اصرار داریم که زیبایی هدایت را درک کنیم به خاطر این است که بتوانیم این دعا را (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) را با توجه بگوییم تا مستجاب شود. یعنی بفهمیم که چه تمنای بزرگی از خدا داریم و دل‌مان عمیقاً این هدایت را از خدا بخواهد و تمنا کند.
- مثلاً بدانید، اینکه شما توفیق بیابید که به خیمه‌ی امام زمان(ع) راه پیدا کنید، جزئی از همین دعای «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» است. یا اینکه فرمان‌های خاص حضرت را به گوش شما برسانند و هدایت‌های خاص خداوند نصیب شما شود هم جزئی از همین دعاست. مهم این است که دل شما بخواهد و عمیقاً از خدا بخواهید که شما را هدایت کند، بعد خواهید دید که خداوند برای هدایت شما چه کارهایی خواهد کرد. مثل روز روشن، همه‌ی تاریکی‌ها را برطرف خواهد کرد.
- انسان‌های بزرگ مثل مرحوم قاضی(ره)، آقای بهجت(ره)، حضرت امام(ره) و عرفای بزرگ که هیچ کدام اهل صوفی‌بازی نبودند، بلکه متشرع بودند و به معنای حقیقی کلمه عارف بودند ولی عرفان‌بازی نمی‌کردند، چه کار کرده‌اند که به اینجا رسیدند؟ معلوم است؛ حتماً صمیمانه از خدا تقاضا کرده‌اند که «خدایا! مرا هدایت کن» و می‌دانستند که هدایت چه لطف و محبت بزرگی از جانب پروردگار عالم است.

شاهراه هدایت، دیدن «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است / نشستن در جلسه‌ی روضه‌ی امام حسین(ع) یعنی تمنای هدایت، یعنی من هم می‌خواهم...

- دعا هرچه باتوجه‌تر و بامعرفت‌تر باشد، مستجاب‌تر است. لذا وقتی شما این دعا را بیان می‌کنید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بلافاصله از شما می‌پرسند: شما می‌دانید صراط مستقیم چیست که دارید تقاضا می‌کنید؟ کجا با صراط مستقیم آشنا شده‌اید؟ و شما باید این‌گونه پاسخ دهید: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» (فاتحه/۷) من کسانی که به آنها نعمت داده‌ای را دیده‌ام که چقدر خوب و دوست‌داشتنی و نازنین هستند، پس مرا هم به راه همان‌ها هدایت کن. به شما می‌گویند: شما از چه طریقی با صراط مستقیم آشنا شده‌ای که الان می‌خواهی به آن سمت هدایت شوی؟ و شما می‌گویید: از طریق کسانی که «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ». یعنی شاهراه هدایت دیدن «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است. آنها دست دل ما را می‌گیرند و دل ما را می‌برند. نشستن در جلسه‌ی روضه‌ی امام حسین(ع) یعنی تمنای هدایت، یعنی خدایا! دل من هم این هدایت را می‌خواهد و چقدر قسی‌القلب است کسی که اباعبدالله الحسین(ع) را ببیند و حضرت، دل او را نبرد.
- خود امام حسین(ع) که در اوج بود، وقتی یاران شهیدش را می‌دید، می‌گفت: خدایا من هم این شهادت را می‌خواهم. وقتی خبر شهادت مسلم و هانی را به امام حسین(ع) رساندند، حضرت فرمود: «دیگر خیری در زندگی بعد از اینها نیست؛ اِنَّهُ خَيْرٌ قَتْلِ مُسْلِمٍ بِنِ عَقِيلٍ وَ هَانِيٍّ بِنِ عَرُوَّةٍ... فَقَالَ الْحُسَيْنُ لَا خَيْرَ فِي الْعَيْشِ بَعْدَ هَوَاءٍ» (اعلام‌الوری/۲۳۱) یعنی خدایا! من هم شهادت می‌خواهم...

